



## حکمرانی خوب شهری: توانمندسازی زنان و گردشگری

مریم پورعینی<sup>۱</sup>

### چکیده

امروزه نقش نیروی انسانی در توسعه یافتگی کشورها برکسی پوشیده نیست و صنعت گردشگری راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه پایدار برای توانمندسازی زنان بوده و در عین حال، حکمرانی خوب شهری الگویی برای توسعه سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی با سازوکار تعامل عملی و توانمندسازی زنان و صنعت گردشگری از پیش شرط‌های توسعه پایدار است. توسعه صنعت گردشگری بخش جدایی‌ناپذیر و کلیدی توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است. گردشگری، با ایجاد اشتغال و درآمدزایی و سود اقتصادی خوب، بهبود کیفیت زندگی، مشارکت مردم در دارایی جامعه، حفاظت از محیط زیست، درآمد ارزی، توزیع مناسب درآمد، ثبات و توسعه عدالت اجتماعی، رفاه جوامع و بهره‌برداری بهینه از منابع، نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصاد دارد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی خوب، گردشگری، توانمندسازی زنان.

۱- گروه مدیریت مالی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.



## مقدمه

در دوران مدرن، صنعتی شدن جامعه، تغییرات محیطی و رشد تکنولوژی، تغییرات بنیادی در سبک زندگی افراد از جمله زنان ایجاد کرده است و زنان نیمی از جمعیت کشور هستند، اما سهم آن‌ها از اشتغال تنها یازده درصد است و حضورشان در مناصب مدیریتی و تصمیم‌گیری پنج درصد بیشتر نمی‌شود. زنان باید نقش پررنگ‌تری در عرصه اجتماعی - سیاسی - فرهنگی کشور داشته باشند و از این طریق قوی‌تر شده و به قدرتمند شدن جامعه هم کمک کنند. یکی از بهترین سرمایه‌گذاری‌های راهبردی اجتماعی برداشتن دیوارهای ذهنی و سقف‌های شیشه‌ای پیش روی زنان این سرزمین است. یکی از این دیوارهای ذهنی، نگرش ما به توانمندی‌های زنان است؛ توانمندسازی را می‌توان به‌عنوان یک راهبرد اثرگذار و تحول‌آفرین در مشارکت اجتماعی زنان معرفی کرد و در واقع، پاسخ به نیاز حیاتی جامعه معاصر در پاسخ‌گویی به نیاز تغییر و تحول در وضعیت کنونی زنان و حرکت به سمت توسعه انسانی پایدار است.

توانمند شدن نیمه پنهان جامعه به معنی افزایش توان و آگاهی زنان، فراهم کردن موقعیت‌هایی برای اشتغال زنان، خودباوری و استقلال، بیشتر شدن سهم اراده زنان در به‌دست آوردن منابع قدرت لازمه و تحول‌ساز در عرصه اجتماعی با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار تأکید می‌شود؛ به طوری که توسعه و آموزش زنان به معنی توسعه هر دو نیمه جامعه ماست. نسلی که امروز از آن‌ها توقع بروز و ظهور در عرصه‌های مختلف داریم، با زنانی فرهیخته و پویایی جامعه تربیت می‌شوند. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت انسانی نه تنها موضوع و هدف هر نوع برنامه توسعه‌ای هستند، بلکه عامل پیشبرد اهداف توسعه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز به‌شمار می‌آیند. تأکید بر حضور زنان در فضاهای اجتماعی و ارتباط با سایر گروه‌ها و برقراری تعاملات اجتماعی نه تنها از دید حقوق شهروندی، بلکه برای رفع نیازهای اجتماعی در جامعه امری است که باید مورد توجه خاص قرار گیرد، بنابراین لازم است تا فضاهای اجتماعی پاسخ‌گوتر برای زنان فراهم آوریم. به‌عبارت دیگر همه افراد به‌طور اخص زنان با رفتارهای فرانشی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم باید در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند (پورعینی، ۱۳۹۶).

یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آن‌ها در ساختارهای اقتصادی است (معروفی، ۱۳۸۳). به‌نظر نگارنده، مشارکت آزاد و واقعی زمانی معنا پیدا می‌کند که در تعامل اجتماعی همه اقشار زنان بدون ملاحظاتی جمعیتی و در همه سطوح اجتماعی با تنوع گسترده نژادی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی در قالب گروه‌های خودیار، گروه‌های سبز (محیط زیست) و... در راستای صنعت گردشگری نقش داشته باشند، به طوری که هدف از حکمرانی خوب شهری توانمندسازی زنان فرصتی برای شناخت توانایی خود، برای تعالی انسانی و اجتماعی و تمدنی در کنار صنعت گردشگری، مسیر رشد و توسعه جامعه ایران را هموارتر می‌کند. توانمندسازی زنان از جمله مؤلفه‌های مهم در تحقق آرمان‌های توسعه پایدار است. صنعت گردشگری صنعتی پویا و خاص است. این صنعت مزایای فراوانی برای جوامع دارد، از جمله: ایجاد اشتغال، درآمدزایی، فقرزدایی، برابری (عدالت)، رفاه و توانمندسازی.

از موانع صنعت گردشگری، نبود بخش خصوصی کارآمد و مطلوب، کمبود مراکز آموزشی و مشاوره‌ای برای افزایش مهارت و دانش و توانمندسازی نیروی انسانی، عدم آموزش‌های زیست - محیطی و حفاظتی منطبق نبودن بسیاری از اماکن توریستی کشور با استانداردهای جهانی، نبود کیفیت مناسب خدمات‌رسانی، نشناختن نیازهای گردشگران و برآورده نکردن آن و بی‌توجهی به



رفع آلودگی‌های زیست محیطی مانند: دفع بهداشتی زباله در روستاها. جهان اقتصاد در قرن بیست و یکم با تحولات شگرفی روبه‌رو خواهد بود. این تحولات بیش از همه کشورهایی را تحت تأثیر قرار خواهد داد که اقتصادی متکی بر تک محصولی (همچون نفت) داشته‌اند، چرا که نفت در عرصه اقتصاد جهان اقتدار و نقش گذشته خود را به‌عنوان «طلا سیاه» از دست داده است. در واقع میزان رشد و توسعه اقتصادی کشور در قرن آینده به حجم تولید و ارزش افزوده، توسعه گردشگری پایدار بستگی دارد که در آن کشورها ایجاد می‌شود. این واقعیت به تلاش مضاعف دولت‌ها در ایجاد مزیت‌های رقابتی جدید افزوده است. کشورهای تک محصولی نظیر ایران در کنار فروش نفت، صنعت، افزایش فرآورده‌های تولیدی کشاورزی و دامپروری به تنهایی قادر به رشد اقتصادی نیست و نمی‌تواند فقر را ریشه‌کن کند؛ بنابراین توجه به اقتصاد گردشگری و ظرفیت‌سازی در مناطق توریستی ضروری به نظر می‌رسد. در حال حاضر، صنعت گردشگری جایگاه خاصی در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است و نقش فعال و مؤثری در ارتقاء ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند.

## مبانی نظری

### توانمندسازی اقتصادی زنان

در رابطه با مفهوم توانمندسازی کلر و ام بی و<sup>۱</sup> می‌گوید: توانمندسازی زنان فرآیندی است که به‌وسیله آن زنان برای خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی آنان می‌شود، دفاع می‌کنند. نایلا کبیر<sup>۲</sup> (خاتم، ۱۳۸۹) به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران حوزه توانمندسازی زنان، سازه اصلی توانمندی را (قدرت) می‌داند و از (توانایی انتخاب) کردن به‌عنوان یکی از وجوه قدرت نام می‌برد. به‌نظر کبیر، توانمندسازی را می‌توان در سه جنبه دید، منابع، عاملیت و دستاورد، او منابع را تنها به‌عنوان منابع اقتصادی در نظر نمی‌گیرد، بلکه آن را مجموعه‌ای از منابع انسانی و اجتماعی می‌داند که مستلزم قوانین و هنجارهای است که توسط آن توزیع و تعاملات در درون محیط‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد. زمین، اشتغال، اعتبار، سرمایه اجتماعی، آموزش و... به‌عنوان منابع، هر کدام پتانسیل‌های متفاوتی برای تحقق انتخاب و در نهایت توانمند شدن زنان، ایجاد می‌کنند. منابع و عاملیت، ظرفیت یا همان دستاورد را به‌وجود می‌آوردند. دستاورد به ظرفیت افراد برای زندگی به سبک اشاره دارد.

آلسوپ هینسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) از دیگر صاحب‌نظران مفهوم توانمندسازی می‌باشند که ویژگی آن را همانند کبیر، افزایش توانایی گروه یا فرد برای دست زدن به انتخاب مناسب می‌دانند و تأکید می‌کنند که این انتخاب باید به نتایج دلخواه منجر شود و این فرآیند تحت تأثیر دو عامل ایجاد می‌شود، عاملیت و ساختار فرصت‌ها. اینان نیز معتقدند ساختار فرصت‌ها توسط عملکرد نهادهای رسمی و غیررسمی شکل می‌گیرد که شامل قوانین و مقررات، چارچوب‌های تنظیم‌کننده و هنجارهای حاکم بر رفتار مردم است. بنابراین، آلسوپ و هینسون هم مانند کبیر، قوانین و مقررات را در رابطه با توانمندسازی دارای اثر می‌دانند، کبیر از آن به‌عنوان (منابع توانمندسازی) و آلسوپ و هینسون، با عنوان (ساختار فرصت‌های توانمندسازی) یاد می‌کنند.

۱ . Claire Loans.

۲ .Naile the Great.

۳ . Alsop Hinson.



آمارتياسن<sup>۱</sup> (آمارتياسن، ۱۳۸۱)، توانمندسازي زنان را يکي از مباحث اصلي در فرايند توسعه کشورها معرفي مي کند و از مواردی نظیر: کار خارج از خانه، کسب درآمد مستقل، داشتن تحصیلات و حقوق مالکیت به عنوان جنبه های مهم توانمندی نام می برد. او با تعبیری که از قابلیت و آزادی دارد، توانایی انتخاب کیفیت زندگی «عاملیت» را به جای رفاه گرایی صرف در مورد زنان تأکید می کند؛ هرچند بیان می کند نقش عاملیت باید به مقدار زیادی معطوف رفاه زن نیز باشد.

سن (نائینی، ۱۳۸۵) در توضیح منابع قدرت یابی زنان به فرصت های اجتماعی، امنیت حمایتی و آزادی اقتصادی و مبادله در مراودات اجتماعی اشاره می کند که موجب می گردند، زنان به صورت دریافت کنندگان منفعل کمک برای ارتقاء رفاه شان نگریسته نشوند، بلکه به صورت عوامل فعال برای ایجاد تحول به شمار آیند. در همین رابطه، تأکید بیشتر بر مسئولیت مهم دولت و جامعه در فراهم کردن آزادی برای زنان است. نقش آزادی در غنا بخشیدن به زندگی زنان است و شامل توانمندی برای دستیابی به عملکردهای با ارزشی است که آنها برای داشتن آن دلیل دارند. حق و توان انتخاب در اینجا جلوه آزادی زنان را تشکیل می دهد.

### حکمرانی خوب شهری

حکمرانی خوب شهری تلاشی است در جهت ارائه مدلی از مدیریت مطلوب و سازوکارهای ایده آل برای دولت ها به منظور رسیدن به جایگاهی که می توان آن را آرمان شهر انسانی لقب داد (UN-Habitat، ۲۰۰۰). بنابر منشور هیئات سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب شهری اصول به هم وابسته پایداری، برابری، کارآمدی، شفافیت و پاسخ گوئی، امنیت، فعالیت های مدنی و شهروندی را توصیف می کند (Ibid) و زمانی که برنامه اسکان در جریان دستور کار خود با چالش نحوه اجرا و دستگاه ها و نهادهای ذی ربط در سطح شهرها روبه رو شد، دو شیوه برای مواجهه با این چالش مطرح می شود که عبارت اند از: ۵. اقدام برای دستیابی به ایجاد سرپناه برای همه؛ ۲. حرکت به سمت مدیریت مطلوب شهری در جهت نیل به توسعه پایدار شهری که در واقع عملیاتی کردن هدف اول را تضمین می کرد (Taylor، ۲۰۰۰). بدین ترتیب، راهبردهای مطرح شده برنامه در سال های پایانی قرن بیستم به تأیید مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز رسید و با این هدف که تا سال ۲۰۱۵ فقر مطلق در سطح جهان به نصف تعداد موجود برسد، حکمرانی خوب به صورت پیش فرض مطرح شد. در همین زمینه، در بیانیه نشست دوربان آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۹ بر اهمیت مدیریت مطلوب در سطح محلی تأکید شد. همچنین، دپارتمان توسعه محلی بریتانیا در پیش نویس سند راهبردی خود اعلام می کند که مدیریت مطلوب در سطح محلی مهم ترین نقش را در کاهش فقر دارد (Ibid). درک و استنباط سازمان ها و نهادهای بین المللی از حکمرانی خوب شهری مطابق با تجربه عملکردی برنامه اسکان در دو دهه اخیر است. این تجربه، بر این نکته تأکید می کند که در اداره امور شهرها نه سرمایه، نه تکنولوژی و نه حتی تخصص کافی نیستند، بلکه مدیریت مطلوب وجه ممیزه یک شهر برون گرا یا شهری با مدیریت مطلوب در تقابل یک شهر با مدیریت نامطلوب یا شهر منزوی است. بر این اساس، موضوع اصلی حرکت در جهت حکمرانی خوب شهری رسیدن به شهر برون گرا خواهد بود. در شهر برون گرا، هر فرد بدون توجه به ثروت، جنسیت، مذهب، نژاد و سن، شایسته مشارکت سازنده و مثبت در فرصت های موجود در شهر است. در سال های اخیر، شاهد نمونه هایی از تجربیات عملی برای رسیدن به مدیریت مطلوب شهری در شهرهایی مانند: دارالسلام، دبی، منچستر، شنیان و چاتانوگا بوده ایم (Ibid)، بنابراین، حکمرانی شهری به مثابه شیوه های متفاوتی است که طی آن افراد، نهادها و بخش خصوصی و عمومی به اعمال مدیریت و برنامه ریزی برای امور متداول شهر می پردازند (Vansant، ۲۰۰۱). در این شکل از

<sup>۱</sup> Amttiasen



مدیریت، منافع متعارض به جای واگرایی می‌توانند به هم‌گرایی منجر شوند. حکمرانی شهری به‌طور مستقیم با رفاه شهروندان در ارتباط است و در واقع باید زمینه شکوفایی قابلیت‌ها و استعدادهای زنان و مردان جامعه را در قالب شهر نمایان کند. حکمرانی خوب شهری بر پایه اصل شهروندمداری بر این نکته تأکید می‌کند که هیچ‌زن، مرد یا کودکی نباید از دسترسی به الزامات زندگی شهری همچون: سرپناه مناسب، امنیت شغلی، آب سالم، بهداشت و بهره‌مندی از محیط زیست مناسب، آموزش، تغذیه و امنیت اجتماعی محروم شود. از آنجاکه هر شهر گستره خاصی با نمادهای ویژه به لحاظ فرهنگی و طبیعی دارد، فقط در سطح محلی اجماع جهانی برای دستیابی به معیارهای حکمرانی خوب شهری توان عملی شدن را دارد. در واقع، ابزار و شیوه‌هایی که برای ایجاد تعادل و توازن در مناطق مختلف اعمال می‌شود، باید منحصرأ دیدی همه‌سونگر داشته باشد. در حکمرانی شهری، شهرداران نقش رئیس اصلی اجرایی شهر را برعهده دارند که قدرت آن‌ها متکی به آرای مستقیم یا غیرمستقیم مردم از طریق انتخاب شوراهای شهر و انتخاب مردم است. مشارکت مردم در اداره، ساماندهی شهر و اقدام‌های اجرایی، اساس حاکمیت شایسته شهری به‌شمار می‌آید، همچنین، مردم با انتخاب نمایندگان شوراهای شهری و محلی در حاکمیت شهری حضور غیرمستقیم می‌یابند و به این ترتیب حاکمیت شایسته شهری شکل می‌گیرد (نوبری و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۳).

شاخص‌های حکمرانی خوب شهری: یک مبنای اساسی برای ویژگی‌های حکمرانی خوب شهری شاخص‌هایی است که از سوی برنامه توسعه سازمان ملل و بانک جهانی مطرح شده‌اند که بر این اساس و بر اساس مطالعات انجام‌گرفته در زمینه حکمرانی خوب شهری و مطابقت آن با شرایط شهرهای ایران، شاخص‌هایی چون مشارکت شهروندان، اثربخشی و کارایی، پذیرا بودن و پاسخ‌گو بودن، مسئولیت و پاسخ‌گویی، شفافیت، قانونمندی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی و تمرکززدایی برای این منظور معرفی و در ادامه تعریف شده‌اند:

مشارکت: منظور از مشارکت، قدرت تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیری‌ها و سهیم شدن شهروندان در قدرت است؛  
حاکمیت قانون: منظور، مراعات چارچوب‌های قانونی و دور بودن دست افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌هاست؛  
شفافیت: شفافیت نقطه مقابل پنهان‌کاری در تصمیم‌گیری است. پنهان‌کاری امکان بروز فساد را افزایش می‌دهد؛  
مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی: این معیار بر مسئول بودن و حساب پس‌دادن مسئولان و تصمیم‌گیران در قبال شهروندان استوار است؛

پاسخ‌گو بودن: مسئولان شهری باید خواسته‌های شهروندان را دریابند و بپذیرند و به آن واکنش مناسب ارائه دهند؛  
بینش راهبردی: فرا رفتن از مسائل روزمره شهری و پرهیز از غرق شدن در آن‌ها مستلزم پیشبینی آینده‌نگر است؛

اجماع‌سازی: منظور از اجماع‌سازی، تعدیل و ایجاد توافق میان منافع مختلف است؛

عدالت و انصاف: منظور از عدالت، ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی است؛  
اثربخشی و کارایی: این معیار بر استفاده از منابع موجود برای تأمین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم استوار است؛

تمرکززدایی: این مفهوم بر واگذاری اختیار به سازمان‌ها و مراکز مختلف و صلاحیت نهادهای محلی بر انجام دادن وظایف تأکید می‌کند. تمرکززدایی بر اصل تقویت مسئولیت به سمت پایین‌تر استوار است (رفعیان، ۱۳۹۰: ۹۶-۹۵).

## گردشگری



حجم مبادلات بین‌المللی گویای آن است که بیش از ۲۰ درصد آن‌ها با جریان گردشگری آغاز می‌شود و در برخی کشورها مانند: ترکیه، درآمدهای ناشی از آن، یکی از منابع عمده در جهت تقویت روزافزون اقتصاد ملی آن‌هاست. رشد و گسترش گردشگری، از جمله پدیده‌های مهم اواخر قرن بیستم است که با سرعت در قرن جدید ادامه یافته است. افزایش سطح درآمد، تنوع در ایام فراغت، تغییرات و نگرش جدید به مفاهیم زندگی ایجاب می‌کند که گردشگری گسترش و توسعه یابد (خانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۲). توسعه گردشگری، به منزله مجموعه فعالیت‌های اقتصادی، تأثیر بسزایی در تقویت بنیان‌های اقتصادی جوامع دارد. نقش گردشگری به منزله منبع جدیدی برای ایجاد اشتغال، کسب درآمد، دریافت‌های مالیاتی بیشتر، جذب ارز و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی، که موجب رشد و توسعه سایر صنایع می‌شود، در معادلات متعدد مورد تأکید قرار گرفته است (کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۳). توسعه گردشگری پایدار<sup>۱</sup> عبارت است از: گسترش این صنعت و جذب گردشگر به کشور با استفاده از منابع موجود به گونه‌ای که ضمن پاسخ دادن به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ضوابط قانونی جامعه و همچنین انتظارات گردشگران، بتوان وحدت و یکپارچگی، هویت فرهنگی و سلامتی محیط زیست، رشد اقتصادی و رفاه مردم و مهمانان آن‌ها را به گونه‌ای متوازن و پیوسته تأمین کرد (الوانی، ۱۳۸۵: ۸۶). هدف اصلی گردشگری پایدار ارائه روش‌های منطقی در بهره‌برداری از منابع طبیعی و انسانی و ممانعت از به‌کارگیری غیرمنطقی این منابع است. به دلیل آنکه توسعه پایدار گردشگری دو جنبه حفاظت از محیط زیست و منابع و میراث فرهنگی جوامع است، گردشگری پایدار باید با سیاست مشخص و مدونی به اجرا درآید تا بتواند حرکت امیدبخش این صنعت در توسعه همه‌جانبه کشور را تضمین کند (منصوری، ۱۳۸۴: ۱۶). در واقع گردشگری به‌عنوان محرک اصلی توسعه اقتصادی، اجتماعی و کاهش فقر، به‌ویژه در مقاصد روستایی شناخته شده است (Nair, ۲۰۱۴). رویکرد مدیریت یکپارچه در مقاصد توریستی شهری، ساحلی و روستایی، ابتکار کمیسیون اروپا در برانگیختن توسعه و تحقق یک رویکرد پایدار نسبت به گردشگری در این مقاصد است. شش معیار آی.کی.ام<sup>۲</sup> برای ایجاد و ترقی رویکردی مشارکتی بین مردم، گردشگران، محیط و مدیران عبارت‌اند از:

- وجود مدیریتی قوی و نهادینه شده که منابع مالی و انسانی لازم را دارد؛
- همکاری بین همه سازمان‌های دخیل در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی بر اساس ایجاد رویکردی مشارکتی؛
- ایجاد چشم‌اندازی عمومی از توسعه گردشگری با همکاری آژانس‌های درگیر در گردشگری و مردم محلی؛
- توزیع تأثیرات مثبت توسعه گردشگری بین بازدیدکنندگان، شاغلان بخش تجاری، کارمندان اداری و مردم محلی؛
- تنظیم سیاستی استوار و یکپارچه در زمینه فعالیت‌های خدماتی گردشگری؛
- معرفی و ترویج مشوق‌هایی برای بسط و توسعه ابتکارات و ابداعات، پروژه‌های جدید بخش خصوصی در جهت بهبود کیفیت گردشگری (European commission ۲۰۰۰).

گردشگری قادر است به منزله گزینه‌ای در توانمندسازی زنان نقشی مهم ایفا کند و از این رو، دفتر بین‌المللی گردشگری در سال ۲۰۰۸ با ارائه برنامه‌ای، سازمان جهانی گردشگری را در خصوص ایفای نقشی راهبردی در توانمندسازی اقتصادی زنان موظف کرده است. برنامه‌ای که اساس آن بر کاهش فقر و تقویت هویت زنان و توجه به نقش‌ها در فعالیت‌های مرتبط با گردشگری

<sup>۱</sup> sustainable tourism development

<sup>۲</sup> IQM



گذاشته شده است. این برنامه عملی یکی از سه تعهد سازمانی گردشگری جهانی است که در چارچوب قانون جهانی اخلاق گردشگری و در حمایت از اهداف توسعه هزاره سازمان ملل قرار می‌گیرد. این اهداف عبارت‌اند از: سود گردشگری به مستمندان، حفاظت محیط زیست و توانمندسازی زنان (غنیان، ۱۳۸۹)

### منطقه مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، روستای زناسوج از بخش الموت در استان قزوین است که و نواحی روستایی آن به دلیل داشتن جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی فراوان، مورد توجه بسیاری از گردشگران قرار می‌گیرد. روستای زناسوج با فاصله ۳۸ کیلومتری شهر قزوین در مسیر قزوین به الموت از مسیر گردنه قسطنین لار و در ارتفاع ۲۲۳۰ متر از سطح دریای آزاد واقع شده است. بخش شمالی و غربی روستا در حاشیه رودخانه و دره‌هایی بکر با چشم‌انداز زیبا و بخش جنوبی و شرقی نیز از ارتفاعات بالای ۲۰۰۰ متر برخوردار و متأثر است. روستای زناسوج نزدیک‌ترین روستای منطقه الموت به مرکز استان قزوین است که پس از طی مسافت حدود ۳۳ کیلومتر جاده آسفالت، تابلوی ورودی روستا که قسمت غربی جاده است، نمایان می‌شود که از آنجا تا خود روستا نیز حدود ۵ کیلومتر جاده خاکی است. روستای زناسوج با توجه به موقعیت خاصی که دارد، آب‌وهوای بسیار مطلوبی دارد، به طوری که در فصل تابستان و در شرایطی که دمای شهر قزوین تا ۴۰ درجه پیش می‌رود، در این روستا می‌توان هوایی بهاری را تجربه کرد. مردمان روستای زناسوج از قوم مراغی - مراقی هستند و تمام ویژگی‌های آن‌ها مثل پوشش، گویش و زبان و نیز آیین‌ها و مراسم، خاص خودشان است. وجود مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی بسیار زیبا در تمامی فصول، آداب و رسوم فرهنگی، صنایع دستی، غذای محلی به نام جگر قلیه، سماق و مرمت روستای قدیم با بافت کاهگلی به عنوان مقصد بوم‌گردی الموت موجب شده تا روستای زناسوج مقصد نزدیک گردشگران باشد.







## نتیجه گیری

در جهان امروز یکی از شاخصه‌های مهم توسعه انسانی، میزان حضور زنان و نحوه ایفای نقش آنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، از جمله صنعت گردشگری است. مدیریت و مشارکت زنان در سرنوشت شهرها و روستاهای خود می‌تواند در رشد و ارتقای صنعت گردشگری بسیار حائز اهمیت باشد. توانمندسازی زنان از جمله مؤلفه‌های مهم در تحقق آرمان‌های توسعه پایدار است. زنان، در مسیر توانمندی خویش و به‌عنوان نیروی اثرگذار اجتماعی قادرند تا با سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دقیق و با یک استراتژی قوی به مدیریت و برنامه‌ریزی آینده، بر اساس نیازسنجی و آشنایی با امکانات بومی موجود، از همه ظرفیت‌ها و منابع به‌خوبی استفاده کرده و صنعت گردشگری را به بهترین شکل رشد و ارتقا دهد و در نهایت، توسعه جامعه‌ای پر نشاط را محقق کند. اهمیت مدیریت و مشارکت زنان در حدی است که می‌تواند به‌طور مستقیم بر شاخص‌های دیگر حکمرانی خوب شهری مانند: پاسخ‌گویی، امنیت و رفاه، تمرکززدایی، شفافیت، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی، کارآیی و اثربخشی و... تأثیر مثبت بگذارد. فعالیت‌های صنعت گردشگری از نوع روستایی، به‌طور کلی از نوع بنگاه‌های اقتصادی کوچک‌اند که توانایی شناسایی فرصت‌های بارز برای ارائه خدمات و محصولات جدید است. علاوه بر درآمدزایی و اشتغال‌زایی زمینه‌ساز رفاه جوامع محلی، رشد، شکوفایی و پایداری مکان‌های زندگی روستایی است و برای رسیدن به توسعه ملی، توجه به توسعه منطقه‌ای از پیش شرط‌های اساسی موفقیت در توسعه ملی محسوب می‌شود. یکی از بخش‌های اقتصادی که در توسعه روستایی کمتر به آن توجه شده گردشگری روستایی است. در سال‌های اخیر، در تحقیقات و پژوهش‌های مکتوب درباره توسعه روستایی، گردشگری روستایی به‌عنوان یکی از راه‌های کاهش فقر و نابرابری و عدالت اجتماعی شناخته شده است. همچنین موجب جذب سرمایه‌ها در مقاصد گردشگری روستایی می‌شود و پایه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای را تقویت می‌کند. مشارکت اقتصادی زنان روستایی در تولید و فروش صنایع دستی، کشاورزی و... بر افزایش درآمدزایی و اشتغال‌زایی تأثیر بسزایی دارد و حضور آنان را در فضاهای عمومی افزایش می‌دهد. صنعت گردشگری همواره به‌عنوان بازوی مالی دولت در تجهیز منابع، زمینه‌های مساعدتری را جهت توسعه اقتصادی فراهم می‌کنند. صنعت گردشگری موتور کلیدی رشد اقتصادی و اجتماعی است و یک منبع عمده درآمد ارزی و اشتغال، چه به‌صورت مستقیم در بخش گردشگری و چه به‌صورت غیرمستقیم در بخش‌های جانبی (عمدتاً بخش‌های توزیع، کشاورزی و حمل‌ونقل) است که صنعت گردشگری را پشتیبانی می‌کند. درآمد ارزی حاصل از گردشگری چندین برابر درآمد حاصل از فروش نفت و صادرات کالا است. این صنعت همچنین از طریق جریان‌ات ورودی هر ساله ارزی را برای کشور به همراه می‌آورد که (برای ساخت هتل‌ها و سایر جاذبه‌ها مورد پسند گردشگران) گردشگری خلق فرصت‌های کسب‌وکار از کشاورزی و غیرکشاورزی به‌منظور کسب بیشترین سود پایدار ممکن است و می‌تواند تجارت و کسب‌وکار را در مشاغل کشاورزی و غیرکشاورزی و بوم‌گردی در راستای اقتصاد گردشگری گسترش دهد.

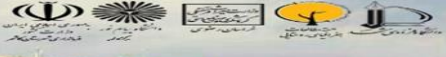




## مراجع

- الوانی، سیدمهدی، (۱۳۸۵)، فرآیند مدیریت جهانگردی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پورعینی، مریم، (۱۳۹۶)، «نقش جامعه مدنی در مشارکت اجتماعی زنان»، *روزنامه ولایت*، چاپ قزوین، چهارشنبه ۱۶ تیرماه سال ۱۳۹۶
- پورعینی، مریم، (۱۳۹۶)، «موانع دستیابی زنان به پست‌های کلیدی»، *روزنامه ولایت*، چاپ قزوین، دوشنبه ۲۷ شهریور ماه سال ۱۳۹۶
- پورعینی، مریم، (۱۳۹۸)، «موانع راهکارهای توسعه کسب‌وکار زنان»، *روزنامه ولایت*، چاپ قزوین، سه‌شنبه ۲ مهر ماه سال ۱۳۹۸
- رفیعیان، مجتبی؛ حسینپور، علی، (۱۳۹۰)، *حکمرانی خوب شهری از منظر نظریات شهرسازی*، تهران: طحان.
- کاظمی، مهدی، (۱۳۸۷)، «تحلیل ادراک شهروندان زاهدانی در توسعه گردشگری چابهار»، *جغرافیا و توسعه*، ش ۵۲.
- کبیر، نایلا، (۱۳۸۹)، *جنسیت و توانمندی*، ترجمه اعظم خاتم، تهران: انتشارات آگاه.
- سن، آمارتیا، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه حسین راغفر، تهران: نشر نی.
- سن، آمارتیاکومار، (۱۳۸۵)، *توسعه یعنی آزادی*، ترجمه محمد سعید نوری نائینی، چ دوم، تهران: نشر نی.
- غنیان، منصور و همکاران، (۱۳۸۹)، «تحلیل ابعاد گردشگری روستایی با رویکرد جنسیتی از دیدگاه جامعه‌میزبان»، *زن و توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۸، ش ۳، صص ۹۳-۱۰۹۳
- منصوری، علی، (۱۳۸۴)، «گردشگری و توسعه پایدار»، *رشد آموزش جغرافیا*، ۶۳.
- معروفی، پروین، (۱۳۸۳)، «نقش ویژه زنان به‌عنوان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در کشاورزی پایدار»، *نشریه سبا*، شماره ۱۴.
- نویری، نازک؛ رحیمی، محمد، (۱۳۸۹)، «حکمرانی خوب شهری یک ضرورت تردیدناپذیر»، *دانش شهر*، ۱ (۲۱)، ۷۶-۹۷
- European commission, (۲۰۰۰), *towards quality coastal tourism*, enterprise directorate-general tourism unit,
- Fun, F. S., Chiun, L. M., Songan, P., & Nair, V. (۲۰۱۴). The impact of local communities' involvement and relationship quality on sustainable rural tourism in rural area, sarawak: The moderating impact of self-efficacy. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, ۱۴۴, ۶۰-۵. doi: ۱۰.۱۰۱۶/j.sbspro.۲۰۱۴.۰۷.۲۷۴
- Taylor, P. (۲۰۰۰). UNCHS (Habitat)- the Global Campaign for Good Urban Gov-ernance. *Environment and Urbanization*. Vol ۱۲. No ۱. April.
- Sabina, J. M., & Nicolae, J. C., ۲۰۱۳, *Gender Trends in Tourism Destination*, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. ۹۲.
- UN-HABITAT. (۲۰۰۰). *global report on human settlement*. Retrieved from [www.unhabitat.org](http://www.unhabitat.org).
- Vansant, J. (۲۰۰۱). *Cooperation for Good Governance*. July. Terry Sanford Institute of public policy.

شماره ۲۶ و ۲۵ بهار ۱۳۹۸



همایش ملی

روانشناسی و توسعه

